



بررسی رابطه میزان کیفیت زندگی و میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان خانواده مطالعه موردی دانش آموزان پایه اول دبیرستان شهرستان سیرجان ۱۳۹۲

نیلوفر رضایی لری REZAEI_NILUFAR@YAHOO.COM

چکیده

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مهمترین عاملی است که منجر به بازده بالای سرمایه گذاری در آموزش و پرورش گردیده و لذا کشف عوامل مؤثر بر آن می تواند ضمن هموار نمودن مسیر آموزش در جامعه، به کاهش زمان رسیدن به سطح مطلوب آموزش بسیار کمک نماید. از سوی دیگر، وجود مشکلات گوناگونی در خانواده در زمینه سلامت جسمانی، سلامت روانی، سلامت محیطی و روابط اجتماعی و اقتصادی خانواده ... مانع اصلی ظهور استعدادها بالقوه دانش آموزان است زیرا تا زمانی که وجود فرد از ثبات عاطفی برخوردار نبوده و سکوی پایدار برای اندیشه و حرکتی مطمئن و با صلابت نیافته باشد به یقین نمی توان از او تلاش ذهنی هدفمند و جهت دار و در عین حال خلاق را انتظار داشت. بر این مبنای، در این مقاله، رابطه بین میزان کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مورد مطالعه قرار گرفته است. در واقع، هدف اساسی این مطالعه تبیین رابطه و چگونگی تعامل و پیوند دو متغیر کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در جامعه آماری مورد مطالعه می باشد.

این تحقیق از نوع مطالعه پیمایشی بوده (survey study) و داده های تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه جمع آوری گردیده است. اعتبار و روایی مقیاس های اصلی پژوهش شامل میزان کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی و تأیید قرار گرفته است.

جامعه آماری پژوهش شامل دانش آموزان مقطع اول دبیرستان شهرستان سیرجان در سال ۱۳۹۲ می باشد که با استفاده از فرمول نمونه گیری کوکران تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب و بررسی شده اند.

یافته های تحقیق رابطه بین کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی را نشان می دهد. در مجموع، نتایج فعالیت آماری مربوطه با استفاده از ضریب همبستگی اسپیرمن ($r = 0/58$) رابطه معنادار دو متغیر میزان کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را در سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید قرار داده است. همچنین، نتایج حاصل از آزمون اسپیرمن با اطمینان ۹۹ درصد بیانگر ضریب همبستگی ۰/۱۶ بین میزان بهره مندی خانواده از سلامت جسمانی با میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، ضریب همبستگی ۰/۷۸ بین سلامت روانی و سلامت محیطی خانواده با میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، و ضریب همبستگی ۰/۲۰ بین روابط اجتماعی خانواده با میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را مورد تأیید قرار می دهد.

کلید واژه ها: کیفیت زندگی، سلامت جسمانی، سلامت روانی، سلامت محیطی، روابط اجتماعی، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان.



مقدمه

در تمام نظام‌های تعلیم و تربیت، میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان شاخص موفقیت در فعالیت‌های علمی و آموزشی است. یکی از عوامل مهم در تعیین موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان، کیفیت زندگی خانواده می‌باشد. براساس نظریه سازمان بهداشت، کیفیت زندگی چهار بعد دارد که شامل بعد جسمی، بعد روانی، بعد زیست محیطی و بعد روابط اجتماعی می‌باشد که این ابعاد در طبقه بندی که مازلو از نیازها ارائه نموده است جزء نیازهای اساسی می‌باشد. انواع نیازهای مازلو به صورت سلسله مراتبی به دنبال هم قرار می‌گیرند، یعنی اینکه نیازهای رده پایین باید حداقل تا حدودی ارضاء شوند تا این که فرصت برای ارضای نیازهای سطح بالاتر فراهم آیند پس پیشرفت تحصیلی مصداقی از خودشکوفایی است. اصطلاح کیفیت زندگی دارای معانی گوناگونی برای افراد و گروه‌های مختلف است. برخی آن را به عنوان قابلیت زیست پذیری یک ناحیه، برخی دیگر به عنوان اندازه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، رضایتمندی و ... تفسیر کرده‌اند. (epley & menon, 2007: 281) با این وجود، هنوز هم یک تعریف قابل قبول جهانی برای این مفهوم صورت نگرفته است، زیرا بسیاری از محققان بر این باورند که کیفیت زندگی مفهومی چند وجهی، نسبی، متأثر از زمان، مکان، ارزش‌های فردی و اجتماعی است. کیفیت زندگی به وسیله نیروهای بیرون مرتبط با افراد یا گروه‌های اجتماعی مثل تکنولوژی تولید، زیرساخت‌ها، روابط با سایر گروه‌ها، نهادهای جامعه، محیط طبیعی و همچنین به وسیله نیروهای درونی مثل تعاملات درون جامعه و ارزش‌های شخص یا جامعه تعیین می‌شود. (DAS, 2008: 298).

کیفیت زندگی در چند دهه اخیر به مفهوم مهمی در تحقیقات علوم اجتماعی، روان‌شناسی، اقتصاد، علوم طبیعی، جغرافیا و پزشکی تبدیل شده است؛ با وجود این، توافق اندکی بر سر تعریف این مفهوم وجود دارد. مرور انتقادی و جامع راپلی^۱ (۲۰۰۵) بر تعاریف کیفیت زندگی حاکی از آن است که محدودی از تعاریف کیفیت زندگی مورد تأیید وسیع، به اجماع عام، قرار گرفته‌اند. تمامی این تعاریف اشاره دارند که کیفیت زندگی نوعی ادراک روان‌شناختی فردی از ابعاد مختلف واقعیت‌های مادی جهان بیرونی است. (آخوندی و دیگران، ۱۳۸۸، به نقل از صفری شالی، ۱۳۹۱: ۲۴۳). همچنین نظام‌های آموزشی در حاضر از ارکان مهم توسعه در جوامع به شمار می‌آیند و اصولاً جوامع، اهداف و آرمان‌های خود را از طریق تأسیس این نظام‌ها دنبال می‌کنند. با این تعبیر، آموزش و پرورش را می‌توان الگوی کلی نهادها و مؤسسات موجود در جامعه قلمداد نموده، رشد و توسعه جوامع را در گرو رشد و توسعه نظام‌های آموزشی ممکن دانست. (کیامنش و خیریه، ۱۳۷۹).

در هر نظام تعلیم و تربیت، میزان پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، یکی از شاخص‌های موفقیت در فعالیت‌های علمی است. وجود پیشرفت تحصیلی موضوعی است که به خصوص در حال حاضر مورد توجه نظام آموزش و پرورش هر کشوری است. از آنجایی که بخشی از شخصیت کودکان و نوجوانان در متن خانواده، در کنار پدر و مادر شکل می‌گیرد، خانواده به عنوان اولین پایگاه تعلیم و تربیت و نخستین مدرسه کودکان می‌باشد و در مورد پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و آینده سازان نقش اساسی دارد، در نتیجه یکی از عوامل دخیل در زمینه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، کیفیت زندگی خانواده دانش‌آموزان می‌باشد.

بیان مسأله

زندگی انسان جلوه‌ها و جنبه‌های متعددی دارد. یکی از آن‌ها، تأمین نیاز و اولویت بندی در استفاده از منابع برای پاسخگویی به حداکثر نیازها می‌باشد. همچنین دامنه نیازهای انسان بسیار گسترده بوده و مشتمل بر جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، امنیتی، اجتماعی، سیاسی، بهداشتی، آموزشی، می‌باشد و ماهیت عمده نیازهای انسانی، نامحدود بودن آن‌ها است. لذا رفاه اجتماعی به دنبال راه‌حلی برای تأمین نیازها با استفاده از منابع مناسب می‌باشد. همچنین محدودیت منابع، آدمی را ملزم به اولویت بندی تأمین نیازها می‌نماید. یکی از معیارهای اساسی در خصوص تعیین اولویت‌ها، میزان فایده‌ای است که نصیب افراد می‌شود. لذا، تخصیص منابع در زمینه‌هایی که بیشترین فایده مندی (اعم از مادی و معنوی) را ایجاد نماید، اولی‌تر است و اختصاص منابع بیشتری به این امور توجیه پذیر خواهد بود.

۱. Rapley



آموزش به عنوان یکی از ارکان رفاه اجتماعی که به باروری و شکوفایی اندیشه می‌پردازد، از امور مهمی است که از سالیان دور مورد توجه و عنایت انسان و جوامع بوده است و آموزش همواره به عنوان یک نیاز جدی مطرح بوده است، چرا که در صورت تأمین این نیاز است که می‌توان امید داشت سایر نیازها مرتفع شود.

از همین رو جوامع، بخش عمده‌ای از منابع خود را به این امور اختصاص داده و روز به روز سهم آموزش از دریافت منابع رو به افزایش می‌باشد، لذا این مهم است که صرف بیشترین منابع بتواند به همان میزان بیشترین ستاده را به دنبال داشته باشد. بنابراین از دیر باز کاهش افت تحصیلی دانش آموزان و پیشرفت تحصیلی آنان از عمده ترین سیاست‌های آموزشی هر کشور محسوب شده است.

افت تحصیلی، نقطه مقابل پیشرفت تحصیلی است که براساس مطالعات متعدد تأثیر بسزایی در سرنوشت فرد دارد و همچنین هزینه گزافی به خانواده و جامعه تحمیل می‌کند. (گلشنی، ۲۰۰۹: ۸۹)

افت تحصیلی علاوه بر زبان‌های هنگفت اقتصادی آثار نامطلوبی را بر بهداشت روانی آنان بر جای می‌گذارد. آمار بالای افت تحصیلی به صورت توقف تحصیل، اخراج و ترک تحصیل، از هزینه‌های آموزشی همه ساله خسارت‌های زیادی را بر آموزش عالی در کشور ما و سایر کشورهای جهان وارد می‌کند. (خدیبو زاده، سیف و ولایی، ۲۰۰۴: ۱۲) در کشور ما این امر از مهمترین مشکلات کنونی نظام آموزشی است و هر ساله ده‌ها میلیارد ریال از بودجه کشور به هدر می‌رود و نیروهای بالقوه و سرمایه‌های جامعه که همان نیروی انسانی است، بی‌ثمر می‌ماند.

در نتیجه از دیرباز مسأله از بین بردن افت آموزش یا پیشرفت تحصیلی مورد بحث و تفحص متخصصان تعلیم و تربیت بوده و همواره در پی آن پیشنهادات، راهکارها و سیاست‌هایی به همین منظور وجود داشته تا بتواند جلوی این معضل فرهنگی را گرفته و استفاده بهینه از امکانات مالی و منابع محدود کشور به عمل آید تا شاید برای همیشه این مشکل اساسی آموزش زدوده شود و دیگر شاهد حیف و میل شدن بیهوده بودجه‌های نظام آموزشی خود نباشیم.

از این جهت سعی و تلاش همه ما این بوده که در یاری رساندن به این هدف ارزشمند تا جایی که می‌توانیم در این راه خود را مسئول دانسته و تلاشی بسیار ناچیز ولو در ارائه یک راهکار کوچک انجام داده یا با یادآوری و انجام و اجرای شیوه‌ها و برنامه‌های خاص آموزشی راه رسیدن به این هدف را تسهیل بخشیم.

روان شناسان معتقدند که شخصیت کودک در پنج سال اول زندگی شکل می‌گیرد بنابراین خانواده به عنوان اولین نهاد اجتماعی می‌تواند نقش بارزی در پیشرفت تحصیلی داشته باشد. فقر مالی، پایین بودن سطح فرهنگ خانواده، اختلاف و کشمکش در خانواده، میزان کنترل دانش آموزان توسط والدین، انتظارات خانواده، آداب و رسوم حاکم بر خانواده، طرز فکر و ... همه از عوامل خانوادگی هستند که به طور مستقیم و غیر مستقیم بر پیشرفت تحصیلی تأثیر می‌گذارند.

پژوهشگران متعددی با اهداف، نمونه‌ها، جوامع، مقاطع و فرضیات مختلفی به پژوهش در زمینه پیشرفت تحصیلی پرداخته‌اند که نتیجه این امر تنوع و تعدد یافته‌ها در زمینه پیشرفت تحصیلی می‌باشد که این نتایج گاه نارسا، مبهم و حتی متناقض می‌باشند.

برای تشخیص این که پیشرفت تحصیلی یک دانش آموز صرف نظر از سطح تحصیلی او روشن شود، سلسله عواملی باید به تجدید نظر در آیند و برخی از عوامل از جمله پیش سرشت کودک، شرایط مناسب خانوادگی، کفایت معلم، فقر یا غنای فرهنگی خانواده و ... قابل تشخیص و بررسی هستند. آگاهی مسئولان از میزان اهمیت این عوامل، کمک مؤثری در جهت هدایت فعالیت‌های آن‌ها در مسیر رشد و شکوفایی آموزش و پرورش و پیشرفت تحصیلی خواهد داشت. با توجه به شواهد مبتنی بر کاهش پیشرفت تحصیلی در سال‌های اخیر، در نظر داریم میزان پیش بینی پذیر کیفیت زندگی خانواده و هر یک از مؤلفه‌های کیفیت زندگی (سلامت جسمانی، سلامت روانی، سلامت محیطی، و روابط اجتماعی) را بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع اول دبیرستان شهرستان سیرجان بررسی کنیم و بدانیم آیا رابطه‌ای بین کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در بین خانواده‌های شهرستان سیرجان وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

امروزه آموزش و پرورش به عنوان یک سرمایه گذاری بلند مدت مطرح است و به طور تنگاتنگ با مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و ... هر جامعه دارای تأثیر متقابل می‌باشد. مهمترین هدف در تخصیص صحیح منابع لحاظ نمودن اولویت‌ها و جلوگیری از هدر رفتن منابع می‌باشد. افت تحصیلی که عموماً با تکرار پایه‌های تحصیل همراه است از بزرگترین آفات این سرمایه گذاری محسوب شده و هر ساله بودجه بسیار کلانی را در کشور ضایع می‌نماید. بنابراین شناخت عوامل



مؤثر افزایش پیشرفت تحصیلی ایشان به عنوان نقطه مقابل افت تحصیلی می‌تواند به بازده هر چه بیشتر سرمایه گذاری در امر آموزش کمک بسزایی نماید. لذا این تحقیق سعی دارد که ضمن، شناخت عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی با تکیه بر کیفیت زندگی خانواده دانش آموز، نسبت به بررسی میزان ارتباط این عوامل با پیشرفت تحصیلی اقدام نماید. با وجود انجام مطالعات مختلف در زمینه پیشرفت تحصیلی و به دست آوردن نتایج مختلف در این حوزه، این موضوع همچنان به عنوان مسأله‌ای لاینحل و مهم برای دست اندرکاران آموزش و پرورش باقی مانده است. هرچند در این زمینه تحقیقات زیادی صورت گرفته است ولی با وجود این هنوز تمامی عوامل واقعی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار نگرفته است و از آنجایی که کیفیت زندگی خانواده بر پیشرفت تحصیلی تأثیر شایانی دارد در این تحقیق سعی شده است به بررسی این موضوع پرداخته شود. کسب چنین نتیجه‌ای برای آموزش و پرورش کشور که سالانه هزینه زیادی را در راه آموزش دانش آموزان صرف می‌کند و همچنین خانواده دانش آموزان بسیار ضروری و مهم می‌باشد که منجر به برنامه ریزی بهتر و ارائه راهکارهای مفیدتر در نظام آموزشی و نظام خانواده شود.

پیشینه تحقیق

خانواده یک نهاد اجتماعی است و اولین کانون تربیتی کودکان به حساب می‌آید، کودک مقدار قابل توجهی از وقت خود را در آن می‌گذارد. خانواده می‌تواند در پیشرفت دانش آموز تأثیر فوق العاده‌ای داشته و از طرفی می‌تواند باعث شکست تحصیلی و حتی انحطاط فرهنگی دانش آموز شود. شاروک^۲ (۱۹۶۷) به نقل از فریزر^۳ (۱۹۵۹) می‌گوید: محیط خانوادگی بیشتر از بهره هوشی کودکان در موفقیت تحصیلی کودکان مؤثر است. (بهرام زاده، ۱۳۷۲، به نقل از زارع، ۱۳۷۴: ۳۵)

پژوهش داخلی:

خانم معصومه ابونبی در سال ۷۶ در دانشگاه تهران پایان نامه کارشناسی ارشد خود را با عنوان (بررسی مقایسه‌ای علل عدم رغبت دانش آموزان به مدرسه در مدارس دخترانه شهر ساری) با راهنمایی دکتر یوسف کریمی انجام داده است. وی کار خود را بر روی ۱۲۰ نفر از دختران متوسطه شهر ساری متمرکز کرده است و با استفاده از پرسشنامه و طرح این فرضیات که درآمد خانواده، سواد والدین، سازگاری والدین و تعداد اعضای خانواده، موفقیت تحصیلی، محتوا کتب درسی و عزت نفس و رغبت به مدرسه تأثیر گذارند به این نتیجه رسیده است که درآمد خانواده، تعداد فرزندان خانواده و محتوای درسی تأثیری بر رغبت به مدرسه ندارد در حالی که میزان بالای تحصیلات والدین، سازگاری والدین، موفقیت دانش آموزان و عزت نفس بالا باعث علاقه بیشتری به مدرسه خواهد شد.

در کتاب رشد و شخصیت کودک تألیف پاول هنری ماسن و جروم کیگان و همکاران که توسط خانم مهشید یاسایی در سال ۱۳۷۴ ترجمه شده، عنوان گردیده که خانواده از طریق ساختار خود می‌تواند شخصیت و رشد ذهنی و عقلانی کودک را تحت تأثیر قرار دهد. منظور از ساخت خانواده عواملی نظیر تحصیلات والدین، تعداد افراد خانواده، وضعیت اقتصادی، اجتماعی، نژاد و جنسیت می‌باشد. در این تحصیلات مادر و موقعیت اجتماعی او و درآمد خانواده به عنوان بهترین پیشگویی هوشبر شناخته شده است.

در پژوهشی تحت عنوان (بررسی مسأله افت تحصیلی) که توسط مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی به انجام رسیده است به واسطه تجزیه و تحلیل داده‌های آماری در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان، به ریشه‌یابی علل افت تحصیلی پرداخته و پدیده‌های اجتماعی، اقتصادی دخیل در این امر مانند مسائل و مشکلات خانوادگی، حساسیت‌های سنی دوران بلوغ دانش آموزان، تمایلات و احساس‌های خاص این گروه سنی، مشکلات ورود به دانشگاه و ادامه تحصیلات عالی، نابسامانی‌های شغلی و بیکاری دیپلمه‌ها و بی‌اعتبار شدن تحصیل در سال‌های اخیر را مورد ارزیابی قرار داده است.

^۲ . sharrok

^۳ . freaser



معدن دارایی (۱۳۷۰)، مهمترین عامل پیشرفت تحصیلی را ویژگی‌های خانوادگی و شخصیتی دانشجویان معرفی کرده است. در تحقیقی که توسط مجیدی (۱۳۷۵) انجام گرفت نتایج بدست آمده نشان داد که بین سواد والدین و درآمد خانواده رابطه معنی‌دار و مثبتی وجود دارد.

پژوهش خارجی:

نشریه آموزشی تحقیقاتی یونسکو (۱۹۷۰): سنت، مذهب، آداب و رسوم و فرهنگ نیز مخصوصاً در تعلیم و تربیت دختران فوق العاده مؤثر و دخیل هستند. وقتی سنت و آداب و رسوم ایجاب می‌کند که دختران در سنین کم نامزد شوند یا ازدواج نمایند این امر خود به خود باعث افت تحصیلی خواهد بود.

براساس تحقیقی که در سال ۱۹۷۰ میلادی در زمینه موفقیت و ارتباط آن با طبقات یا گروه‌های اجتماعی حرفه‌ای پدران در شهر ژنو سوئیس به عمل آمد نتایج جالب توجهی بدست آمده است به طوری که هرچه موقعیت اجتماعی حرفه‌ای پدران تنزل پیدا کند درصد پیشرفت عالی دانش آموزان کمتر می‌شود.

راندسل^۴ و همکاران (۲۰۰۱) در پژوهش‌های بین فرهنگی بیشتر بر عوامل غیر شناختی تأکید کردند. نتیجه تحقیقات آنها نشان داد که در پیشرفت تحصیلی، دانشجو علاوه بر عوامل شناختی مانند هوش و استعداد، باید سهم بیشتری برای عوامل غیر شناختی مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، روابط خواهر و برادری، و حمایت والدین در امر تحصیل فرزند در نظر گرفت.

همچنین مطالعات هالینگ شید نیز رابطه معناداری بین طبقه اجتماعی با بهره‌های هوشی و نرخ شکست تحصیلی نشان داده است و در نتیجه نشان می‌دهد که در پشت نمرات بدست آمده از دروس مختلف، یک نظام اجتماعی وجود دارد. (شریفیان، ۱۳۷۴: ۱۷)

مک‌کله‌لند^۵ (۱۹۸۴) اظهار می‌دارد که یک گرایش کلی در انسان برای رسیدن به موفقیت و اجتناب از شکست وجود دارد، دانش آموزانی که برای موفقیت برانگیخته می‌شوند، این دانش آموزان نیز مایلند از شکست اجتناب نمایند. (Rothstein, ۱۹۹۰: ۲۲)

لیند^۶ (۱۹۲۹) طی تحقیقاتی نشان داد که فرزندان طبقه کارگر به دو دلیل یکی نیاز خانواده به کمک اقتصادی فرزندان و دیگری عدم توافق فرهنگی بین آنان و دانش آموزان طبقه متوسط مدرسه را قبل از اتمام دوره آموزشی ترک می‌کنند. (شریفیان، ۱۳۷۴: ۱۵)

به باور وارنر^۷ و هویک^۸ (۱۹۴۴) طبقه متوسط با نفوذ در مدارس و با خودداری از دادن امکانات و تجهیزات به مدارس که بیشتر به طبقات اجتماعی پایین مربوط می‌شوند به عقب ماندن این طبقه کمک می‌کنند. همچنین مطالعات هالینگ شید نیز رابطه معناداری بین طبقه اجتماعی با بهره‌های هوشی و نرخ شکست تحصیلی نشان داده است و در نتیجه نشان داده است که تعدادی از عوامل از جمله: انگیزه دیگران، میزان تلاش، دشواری تکلیف، شانس، میزان کمک دیگران، شخصیت معلم و تعامل بین معلم و دانش آموز در میزان پیشرفت دانش آموزان مؤثر است. (همان منبع: ۱۸)

برنشتاین^۹ (۱۹۷۵) استدلال کرده است که کودکانی که دارای زمینه اجتماعی گوناگون هستند علائم یا شکل‌های گفتار متفاوتی در طی سال‌های نخستین زندگیشان به وجود می‌آورند که بر تجربه تحصیلی بعدی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. وی به

اختلافات در به کارگیری واژه‌ها و مهارت‌های کلامی، آن گونه که معمولاً در نظر گرفته می‌شود، توجهی ندارد. توجه او به تفاوت‌های انتظام یافته در شیوه‌های کاربرد زبان است به ویژه در مقایسه بین کودکان فقیر و ثروتمندتر. (گیدنز، ۱۳۸۵: ۴۶۷)

^۴.randsl

^۵.mc-clelland

^۶.lind

^۷.warner

^۸.huyk

^۹.bernstein



محققان یک مرکز مطالعاتی دانشگاهی وابسته به دانشگاه ایالتی واشنگتن در شهر سیاتل که مربوط به بررسی جوانان با هوش و توانمند از لحاظ تحصیلی می‌باشد؛ به بررسی عوامل خانوادگی مرتبط با کفایت تحصیلی کودکان پرداختند. در این بررسی یکصد و پنجاه و چهار کودک با پیشرفت تحصیلی در عالیترین سطح از میان پنج هزار و یکصد و چهل و دو دانش آموز غیر معلول مورد مطالعه قرار گرفتند.

بررسی دقیق وضعیت خانوادگی این دانش آموزان نشان داد که در این خانواده‌ها ویژگی‌های زیر وجود دارد:

- ۱- تحصیلات والدین و اعضای خانواده بالاتر است.
 - ۲- از لحاظ اقتصادی و مالی از وضعیت بهتری برخوردارند.
 - ۳- تعداد فرزندان این خانواده‌ها کمتر است.
 - ۴- بین فرزندان حالت افسردگی کمتری نشان می‌دهند.
 - ۵- روش برخورد والدین و شیوه‌های پرورش آنها مسئولانه، پاسخ دهنده و انعطاف پذیر است.
 - ۶- دانش آموزان در برخورد با والدین و معلمان خود از مهارت اجتماعی بیشتری برخوردارند. (رابینسون و همکاران، ۱۹۹۸)
- یافته‌ها نشان داد که تجارب شغلی پدران به طور تمایز یافته‌ای بر روی رفتارهای فرزندانشان تأثیر می‌گذارد و روند این تأثیر از طریق نتایج تجارب شغلی بر روی بازتاب‌های شغلی و رفتارهای تربیتی انجام می‌گیرد. نتایج این پژوهش تأیید کرد که تجربه شغلی یک متغیر خطیر در فهم پیوند میان شغل و خانواده است. (اتوارت و بارلینگ، ۱۹۹۶)
- اهداف پیشرفت گرایانه والدین و فضیلت‌گرایی کودکان مستعد تحصیلی مورد بررسی قرار گرفت. یکصد و بیست و هفت پدر و مادر و فرزندان آنها در پایه هشتم یک مقیاس چند بعدی فضیلت‌گرایی را تکمیل کردند. اهداف پیشرفت گرایانه والدین این کودکان مستعد تحصیل بر دو نوع بود:

- ۱- تمرکز بر عملکرد و کارکرد در سطح بسیار بالا و عالی
 - ۲- یادگیری هر چه بیشتر برای فهم
- اغلب والدین اهداف پیشرفت گرایانه در قلمرو یادگیری برای فهم را گزارش می‌کردند. والدینی که دارای اهداف تعالی‌گرایانه و در عملکرد فرزندان بودند، معمولاً برخی کژ کنشی‌ها را در رفتار کودکانشان گزارش می‌نمودند. در میان آنها توجه شدیدی نسبت به اشتباهات فرزندان دیده می‌شد. (ابلارد و پارکر، ۱۹۹۷)
- جورج پیکر نیک^{۱۰} در کتاب "پیرامون نقش آموزش" می‌گوید: تحقیقات نشان می‌دهد که هر چه میزان تحصیلات بزرگسالان بالاتر باشد و سرشت مشاغل آنها فکری بوده و از نوع کارهای تکراری و عضلانی نباشد، هرگاه بزرگسالان به مطالعه علاقه نشان دهند و در مورد آینده فرزندان خود نگران باشند، میزان موفقیت کودکان این خانواده در امور درسی بالاتر خواهند بود و برخلاف آن، در مواردی که روابط میان پدر و مادر تیره بوده و یا خانواده از نظر تعداد اعضا گسترده‌تر از حد متعارف باشد احتمال موفقیت کودک پایین می‌آید. (پیکرنیک، ۱۳۵۴، به نقل از سجادی ۱۳۸۷: ۳۷)
- در خانواده‌های آشفته ارتباط بین افراد چنان خشک و نامرئی است که تمام فکر و اندیشه نوجوان را به خود مشغول می‌دارد و او را از توجه و پرداختن به درس باز می‌دارد. حتی تغییر محل سکونت نیز ممکن است باعث عقب افتادگی در تحصیل رسمی فرد شود. چرا که ممکن است فرد نتواند خود را با محیط جدید وفق دهد و سازگار کند. در بعضی تحقیقات معلوم شده است که بین سطح هوش و تعداد فرزندان خانواده روابط معکوس وجود دارد. توانایی و انگیزه یادگیری کودکان با سطح اقتصادی-اجتماعی خانواده‌های آنان رابطه دارد. (مهرالحسنی، به نقل از شریفی، ۱۳۷۷: ۲۸)

تحقیقات انجام شده به بررسی عوامل تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی پرداخته‌اند، این تحقیقات بیشتر بر نقش خانواده بر پیشرفت دانش آموزان تأکید کرده‌اند همچون سواد والدین، تعداد فرزندان خانواده، درآمد و ... از آنجایی که مؤلفه‌های کیفیت زندگی نیز به عنوان عوامل بیرونی بر پیشرفت دانش آموزان تأثیر بسزایی دارد. ما در این پژوهش سعی داریم مؤلفه‌های کیفیت زندگی (سلامت روانی، سلامت محیطی، سلامت جسمانی، روابط اجتماعی) را بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به صورت منسجم مورد بررسی قرار دهیم.



نظریه‌های مربوط به پیشرفت و پیشرفت تحصیلی

انگیزه پیشرفت یکی از مهمترین انگیزه‌های اجتماعی است که تاکنون پژوهش‌های زیادی را به خود اختصاص داده است. اهداف مشخص در انگیزه پیشرفت می‌تواند شامل هر امری شود، مثلاً بدست آوردن نمره الف در یک درس، پیروزی در یک مسابقه ورزشی یا بدست آوردن پول و موفقیت شغلی. موفقیت در این دیدگاه به عنوان میل به موفقیت و شکست به عنوان اجتناب یا ترس از شکست مطرح می‌شود.

نظریه هنری مورای:

مورای^{۱۱} (۱۹۳۸) نخستین فردی بود که در کتاب شخص شناسی خود موضوع نیاز به پیشرفت را مطرح کرد. دلیل تأثیری که مورای بر کلیه پژوهش‌های بعد از خود در ارتباط با انگیزه پیشرفت داشت لازم است که ابتدا به دیدگاه نظری او نسبت به شخص پرداخته شود. مورای نظریه خود را از رفتار بر اساس مفهوم نیاز قرار داد، بر خلاف رویکردهای شناختی مفهوم نظری مورای بیشتر از مدل‌های بیولوژیکی متأثر بود تا فیزیکی. او در تشکیل شخصیت به عوامل زیستی اهمیت فراوانی می‌دهد. مهمترین نیروهای شخصیت از نظر او عبارتند از: نیازها (انگیزه‌های درونی) و فشارها (محرک‌های خارجی).

مورای در کتاب خود از نیازهای بیست گانه صحبت می‌کند. او یکی از نیازها را نیاز به پیشرفت می‌داند. او نیاز به پیشرفت را تحت عنوان میل یا گرایش به از میان برداشتن یا غلبه کردن بر موانع، به کار انداختن نیرو و تلاش برای انجام دادن کار مشکل و حتی الامکان خوب و سریع تعریف کرده است. (آبکین فرد، ۱۳۸۲، به نقل از آزاد، ۱۳۹۱: ۲۵)

نظریه اتکینسون:

اتکینسون^{۱۲} در سال ۱۹۶۰ شروع به تکوین نظریه‌ای کرد که به نظر او تفاوت در شدت نیاز به پیشرفت در افراد مختلف را می‌توان با فرض یک نیاز مخالف یعنی پرهیز از شکست توضیح داد. اتکینسون معتقد است که تمایل رسیدن به موفقیت از احتمال موفقیت و جاذبه رسیدن به آن متأثر می‌گردد، اگر فرد شکست مداومی را تجربه کند و یا اهداف بالاتر از توان خود در نظر بگیرد ممکن است نیازی نیرومند در او ایجاد شود که از شکست پرهیز کند. (شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۹۰)

نظریه دیوید مک کله لند:

مک کله لند با بررسی بحث‌های سنتی که تلاش می‌کردند پیدایش و سوق تمدن‌ها و الگوهای رشد اقتصادی را توضیح دهند به این نتیجه رسید که سازهای روانی که همان سطح انگیزش اجتماعی کل مردم جامعه می‌باشد کمتر از حد شایسته خود مورد توجه قرار گرفته است. به پیشنهاد او تفاوت در سطح انگیزه برای پیشرفت تا حدود زیادی مسئول الگوی رشد و سقوط اجتماعی بوده است. افراد از لحاظ درجه‌ای که پیشرفت را رضایت بخشی تلقی می‌کنند با هم تفاوت دارند. افرادی که انگیزه پیشرفت زیادی دارند اغلب به حرفه بازرگانان کارآفرین به عنوان حرفه‌ای مادام‌العمر جلب می‌شوند به این معنی که قادر به تأسیس و شکوفا سازی مؤسسات خواهند بود. (ارونسون، ۱۳۷۰، به نقل از آزاد، ۱۳۹۱: ۲۸)

نظریه مازلو:

آبراهام مازلو^{۱۳} (۱۹۷۰) نیازهای انسان را به صورت سلسله مراتبی طبقه بندی کرده است. نیازها ابتدا به دو دسته کلی تقسیم شده اند: نیازهای کمبود یا کاستی و نیازهای رشد و بالندگی.

مازلو نیازهای دسته اول را نیازهای اساسی و نیازهای دسته دوم را فراینز نام گذاری کرده است.

انواع نیازهای مازلو به صورت سلسله مراتبی به دنبال هم قرار می‌گیرند، یعنی اینکه نیازهای رده پایین باید حداقل تا حدودی ارضاء شوند تا اینکه فرصت برای ارضای نیازهای سطح بالاتر فراهم آید. مازلو می‌گوید: " انسان کامل کسی است که به بالاترین سطح نیازها دست یابد " یعنی اگر فرد نیازهای چهار گانه پیش از نیاز به خود شکوفایی را برآورده، اما به مرحله خود شکوفایی نرسد انسان کاملی نیست. (سیف، ۱۳۸۰، به نقل از آزاد، ۱۳۹۱: ۲۹-۲۸)

چارچوب نظری

^{۱۱}.murray

^{۱۲}. atkinson

^{۱۳}. maslow

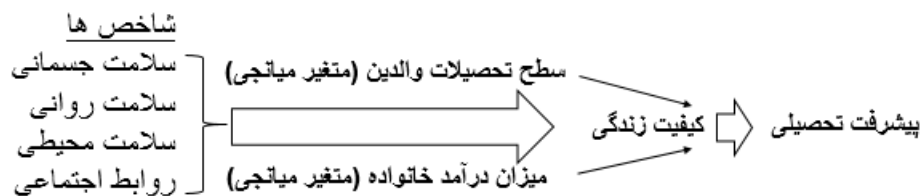


یکی از مهمترین بخش‌های هر پژوهش چارچوب نظری آن می‌باشد. در این قسمت با توجه به سؤال اصلی پژوهش تئوری‌های مبین رابطه کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی مورد توجه قرار می‌گیرد. متغیر پیشرفت تحصیلی با توجه به نظریات مک کله لند، هنری مورای بیشتر عوامل زیستی یا فیزیولوژیکی اهمیت می‌داد و در نتیجه نیاز به پیشرفت را نوعی نیاز زیستی تلقی می‌کرد. در واقع مورای عوامل بیرونی یا محرک‌های خارجی مؤثر بر سابق می‌دانست اما آن‌ها را تعیین کننده تلقی نمی‌کرد بلکه معتقد بود تفاوت در سطح انگیزه برای پیشرفت، تا حدود زیادی مسئول الگوهای رشد و سقوط اجتماعی بوده است. همچنین بیان می‌داشت که لذت بخشی یا تقویت مثبت پیش آمده باعث می‌شود گرایش افراد در انجام سایر امور مشابه گسترش یابد و یا به عبارتی فرد از موقعیت پیش آمده لذت می‌برد، پس در جست و جوی تکرار این تقویت‌ها گرایش به موقعیت‌های دیگری پیدا خواهد کرد که او را به هدف برساند.

پیشرفت تحصیلی در نظریه مازلو جزء نیازهای مربوط به خودشکوفایی یا فرانیازهاست. فرانیازها نیرویشان را از میل آدمی به رشد و بالندگی کسب می‌کنند و شامل نیاز به رسیدن به آنچه در حداکثر توان و استعداد دارند، کنجکاوی، اشتیاق به شناخت، یادگیری، کسب حقیقت، دانش اندوزی، تجربه کردن، درک زیبایی و نظم و هماهنگی را شامل می‌شود. نقطه اتصال دو مقوله کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی در این پژوهش همین سلسله مراتب نیازهای مازلو می‌باشد که بر اساس آن هر یک از ابعاد کیفیت زندگی در یک یا چند مورد از رتبه‌بندی‌های او قرار می‌گیرند که همه این‌ها زیربنا و شالوده‌ای برای خود شکوفایی و پیشرفت تحصیلی که یکی از مصداق‌های خودشکوفایی است می‌باشد.

به طور مثال بعد جسمانی کیفیت زندگی در قاعده هرم که نیازهای فیزیولوژیک و جسمانی را شامل می‌شود قرار می‌گیرد و سلامت جسمانی بر پیشرفت تحصیلی که در رأس هرم است تأثیر می‌گذارد. همچنین بعد روانی و بعد روابط اجتماعی هم در سطوح دوم، سوم و چهارم هرم مازلو یعنی نیاز به ایمنی، تعلق و نیاز به احترام قابل تفسیر است و چون همه این سطوح قبل از خود شکوفایی است و در سلسله مراتب نیازهای مازلو برای رسیدن به خود شکوفایی باید ابتدا نیازهای اساسی یا کمبود برطرف شود تا فرد به خودشکوفایی برسد، سپس بعد روانی و روابط اجتماعی کیفیت زندگی هم جزء عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی است. آخرین بعد کیفیت زندگی یا سلامت محیط شامل ایمنی، دسترسی به امکانات بهداشتی، آموزش، مسکن و می‌باشد و این مؤلفه جزء نیازهای فیزیولوژیکی و نیاز به ایمنی که در سلسله مراتب نیازهای مازلو قرار دارد نیز محسوب می‌شود. از طرفی اگر فرد نتواند این نیازها را برآورده کند پیشرفت تحصیلی او بسیار پایین است. با توجه به همه مطالب بیان شده و ملاک‌هایی که سازمان بهداشت جهانی در خصوص ابعاد کیفیت زندگی ارائه کرده است و تئوری سلسله مراتب نیازهای مازلو، الگوی نظری این پژوهش به شکل زیر می‌باشد. در واقع در هرم مازلو شاخص‌های کیفیت زندگی جزء نیازهای اساسی یا کاهشی محسوب می‌شوند و پیشرفت تحصیلی یکی از مصداق خود شکوفایی در نظر گرفته می‌شود.

مدل ۱- مدل نظری تحقیق



با توجه به مباحث مطرح شده و اهمیت مطالعه رابطه بین کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان، در این مطالعه، رابطه کیفیت زندگی و هر یک از مؤلفه‌های آن (سلامت محیطی، سلامت روانی، سلامت جسمانی، روابط اجتماعی) بر پیشرفت تحصیلی (معدل دو سال سوم راهنمایی و اول دبیرستان) مورد بررسی قرار گرفته است. در واقع، سؤال اساسی



پژوهش بررسی این نکته است که آیا رابطه خاصی بین میزان کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان وجود دارد؟ همچنین، رابطه بین پیشرفت تحصیلی و هر یک از مؤلفه‌های کیفیت زندگی چگونه است؟ با توجه به موارد یاد شده، فرضیه های پژوهش به شرح زیر تدوین گردیده است:

بین میزان کیفیت زندگی در خانواده و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان آن‌ها در شهرستان سیرجان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان بهره مندی خانواده از سلامت جسمانی با میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان بهره مندی خانواده از سلامت روانی با میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان بهره مندی خانواده از سلامت محیطی با میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین میزان بهره مندی خانواده از روابط اجتماعی با میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه معناداری وجود دارد.

تعریف مفاهیم

کیفیت زندگی:

کالمن (۱۹۸۴) می‌گوید: کیفیت زندگی شامل امیدها و آرزوهاست که از تجارب فرد نشأت می‌گیرد. (صفری شالی، ۱۳۹۱: ۲۴۶).

پیشرفت تحصیلی:

به طور کلی پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارایه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی می‌دانند که به وسیله آزمون‌های استاندارد شده، اندازه‌گیری می‌شود. (سیف، ۱۳۸۴ به نقل از سعیدی، ۱۳۹۰: ۴۱)

تعریف عملیاتی متغیرها

کیفیت زندگی:

در این پژوهش منظور از کیفیت زندگی میزان نمره ای است که هر فرد در آزمون whoqol-bref بدست می‌آورد.

پیشرفت تحصیلی:

در این پژوهش منظور از پیشرفت تحصیلی، نمره معدل کل دانش آموزان می‌باشد.

خاستگاه مفهومی کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی

الف) کیفیت زندگی:

کلمه‌ی کیفیت از لغت لاتین qual به معنی چیزی و چه و quality به مفهوم چگونگی استخراج شده است و qol از نظر لغوی به معنی چگونگی زندگی است و در برگیرنده تفاوت‌های آن است که برای هر فرد منحصر به فرد بوده و با دیگران متفاوت است. (مولدون، ۱۹۹۸، به نقل از صفری شالی: ۲۴۵).

واژه کیفیت زندگی با وجود دارا بودن تعاریف گوناگون از تاریخچه نسبتاً کوتاهی برخوردار می‌باشد. این واژه برای اولین بار در کتاب "آرتور سسیل پیگو"^{۱۴} (۱۸۷۷-۱۹۵۹) در دهه ۱۹۲۰ نوشته شده به کار رفته است، ولی کاربرد گسترده آن مربوط به بعد از دهه ۱۹۵۰ میلادی می‌باشد. در ابتدا کیفیت زندگی بیشتر به شاخص‌های مادی نسبت داده می‌شد و معرف اصلی سنجش آن "تولید ناخالص ملی" بود، ولی به مرور با توجه به انتقاداتی که به این شاخص‌ها شد در اواخر دهه ۱۹۵۰

^{۱۴}.pigou



این مفهوم توسط فردی به نام "جی.کی. گالبریت"^{۱۵} دوباره تعریف شد و علاوه بر توجه به ارزش‌های مادی، ارزش‌های غیر مادی، موجود در حوزه‌های محیطی، سیاسی و اجتماعی نیز در آن لحاظ گردید. (۲۰۰۳:۹، no. ۱، state of the art)

همچنین حاج یوسفی در کتاب خود بیان می‌کند که: واژه کیفیت زندگی اولین بار توسط پیگو در سال ۱۹۲۰ در کتاب "اقتصاد رفاه" مطرح شد. که در آن کتاب در مورد حمایت دولت از اقشار پایین و تأثیر آن بر روی زندگی و سرمایه ملی بحث شده بود. اقدامات سازمان جهانی بهداشت و همچنین وجود نابرابری‌های گسترده روند توسعه مفهوم کیفیت زندگی و اعمال سیاست‌گذاری‌های مختلف را در رابطه با این مفهوم تسریع بخشید. برای صدها سال پرسش‌هایی نظیر اینکه یک زندگی خوب چیست؟ و ما باید چگونه زندگی کنیم تا زندگی خوبی داشته باشیم توسط فیلسوفان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. با این وجود کیفیت زندگی منشأ جدیدتری دارد.

از دهه ۱۹۶۰ به بعد هدف‌های اجتماعی توسعه در کنار هدف مادی آن مورد توجه عمیق قرار گرفت و مفهوم کیفیت زندگی به معنی ایجاد شرایط بهتر زندگی و رسیدن به تعادل، مطلوبیت و برابری عادلانه که شرط زندگی سالم، با نشاط، امن و مطلوب است مورد توجه قرار گرفت. (حاج یوسفی، ۱۳۸۰: ۳۱)

با توجه به رویکرد تاریخی، کیفیت زندگی مفهوم جدیدی نیست. این مفهوم سابقه در فلسفه یونان دارد و ارسطو در بحث از شادکامی بدان اشاره کرده است. همچنین در دوران جدید فیلسوفانی چون کیرکگارد، ژان پل سارتر و دیگران به آن توجه داشته‌اند؛ آنچنان که جواناهاج^{۱۶} (۱۹۹۴) از نظریه پردازان این حوزه با تأکید بر خصلت و هویت فردی و اجتماعی انسان، و ارزش‌های فردی و اجتماعی، کیفیت زندگی را به لحاظ فلسفی نتیجه سنتز میان مطلوبیت گرایی و اگزیستانسیالیسم می‌داند.

رویکردهای کیفیت زندگی هر کدام تلاش می‌کنند فرآیندهای شناختی، احساسی و نمادین را که از طریق آنها افراد کیفیت زندگی خود را ارزیابی و تعیین و تجزیه و تحلیل می‌کنند، توصیف نمایند. اما هر یک از این رویکردها در توجه به عوامل مؤثر بر کیفیت زندگی با یکدیگر تفاوت دارند. (صفری شالی، ۱۳۹۱: ۲۶۳)

همچنین از لحاظ پیوستار نظری، نظریات اولیه مربوط به کیفیت زندگی بیشتر بر نگرانی‌ها و اولویت بندی‌های فردی تأکید داشتند. اما در سال‌های اخیر مباحث نظری از فرد محوری به سمت نگرانی‌های اجتماعی نظیر امنیت، آزادی، گستردگی کیفیت زندگی و ساختار روابط اجتماعی افراد در جامعه تغییر یافته است. (باسخا و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۶)

شالوک^{۱۷} اعتقاد دارد علاقه به بحث کیفیت زندگی به لحاظ تاریخی از چهار زمینه نشأت می‌گیرد.

- ۱- بازنگری در این باور که پیشرفت‌های علمی، پزشکی و تکنولوژیک به تنهایی خوشبختی و بهزیستی بشر را فراهم می‌کنند و در عوض توجه به این مسئله که احساس بهزیستی شخصی، خانوادگی و اجتماعی در صورتی تحقق می‌یابد که پیشرفت‌های مذکور با ارزش‌ها، ادراکات و شرایط زیست محیطی مساعدی همراه شوند.
- ۲- تغییر نگرش از خدمات مبتنی بر اجتماع به سمت سنجش نتایج و پیامدهای زندگی فرد در اجتماع.
- ۳- افزایش قدرت مصرف کنندگان و شکل‌گیری جنبش‌های تأمین کننده حقوق بیماران و تأکید این جنبش‌ها بر برنامه ریزی شخص محور، توجه به پیامدهای شخصی برنامه‌های رفاهی و دولتی و توجه به حق تعیین سرنوشت خود و ...
- ۴- پیدایش تغییرات جامعه شناختی که جنبه‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی را معرفی کرده و ویژگی‌های فردی و شخصی این مفهوم را مورد تأکید قرار می‌داد. (خوراسگانی به نقل از حیدری، ۱۳۹۰: ۱۱)

در ایران برای نخستین بار موضوع کیفیت زندگی در دومین سمینار ملی رفاه اجتماعی که از سوی دبیرخانه شورای عالی رفاه اجتماعی در سال ۱۳۵۵ برگزار شد مطرح گردیده است. در این سمینار پنج کمیته در زمینه‌های مختلف فعالیت داشتند که کمیته سیاست‌های رفاهی و کیفیت زندگی یکی از آن‌ها بوده و مسئولیت اداره آن بر عهده آقای احسان نراقی قرار داشته است. بررسی مطالعات انجام شده در سال‌های اخیر در خصوص کیفیت زندگی نشان می‌دهد که مرور کیفیت

^{۱۵} galbraith

^{۱۶} jvanahaj

^{۱۷} shallok



زندگی از کانون توجه رشته‌های علوم اجتماعی مانند جامعه‌شناسی خارج شده و رشته‌های پزشکی توجه ویژه‌ای به آن داشته‌اند. (فرخی، ۱۳۸۶: ۱۲)

علاقه مندی به بررسی عوامل مؤثر بر خشنودی و رفاه انسان پیشینه‌ای طولانی در تاریخ زندگی بشر دارد. در واقع اینکه چگونه باید و می‌توان زیست که بهترین منفعت را از زندگی کسب کرد. شاید به قدمت قابلیت آدمی برای اندیشه در مورد آینده و عبرت گرفتن از گذشته باشد. (بهمنی، ۱۳۷۹: ۳۶)

یکی از جامع‌ترین و کامل‌ترین تعاریف در مورد کیفیت زندگی به وسیله پرفسور هورنکوئیست^{۱۸} ارائه گشته است. وی کیفیت زندگی را براساس مطالعات خود و یافته‌های سایرین به عنوان نیاز بیان شده و رضایت عملی در یک تعداد از ابعاد اصلی زندگی با تمرکز خاص بر احساس خوب بودن تعریف می‌نماید.

به عقیده وی اندازه‌گیری کیفیت زندگی به وسیله ابعاد پنج‌گانه زیر از زندگی فرد امکان‌پذیر است.

- ۱- قلمرو فیزیکی: سلامت بدنی و فشار ناشی از بیماری خاص
 - ۲- قلمرو روانی-عاطفی: شامل احساس رضایت از زندگی، احساس خوب بودن و عملکرد فکری، عقلانی و اعتقادی
 - ۳- قلمرو اجتماعی: شامل تماس اجتماعی و ارتباط مناسب با دیگران به طور عموم و با همسر و خانواده به طور ویژه
 - ۴- قلمرو رفتاری-فعالیتی: شامل ظرفیت پذیرش مراقبت از خود و انجام کار و فعالیت و حرکت
- قلمرو مادی: شامل وضعیت اقتصادی و مالی فرد و به طور کلی درک فرد از رضایت‌مندی زندگی. (hornquist, ۱۹۹۶: ۲۲۷)

ب) پیشرفت تحصیلی

تغییرات ایجاد شده در جهت مطلوب و مساعد و در رابطه با مسائل آموزشی، پیشرفت یعنی درجه موفقیت دانش آموزان در رسیدن به اهداف آموزشی از قبل تعیین شده. (بلوم، ۱۳۷۴: ۲۳)

پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان یکی از سازه‌هایی است که از دیرباز مورد توجه بوده و تحقیقات بسیاری را به خود اختصاص داده است. متخصصین تعلیم و تربیت همواره کوشیده‌اند شرایطی را فراهم نمایند تا محصلین بیشترین کارایی تحصیلی را از خود نشان دهند. امروزه مهمترین نقش مدارس این است که دانش آموزان را در پیشرفت تحصیلی یاری نمایند. (سیف، ۱۳۷۵ به نقل از سعیدی ۱۳۹۰: ۵)

به طور کلی پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از دروس ارائه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی می‌دانند که به وسیله آزمون‌های استاندارد شده، اندازه‌گیری می‌شود. (سیف، ۱۳۸۴ به نقل از سعیدی ۱۳۹۰: ۶)

بسیاری از والدین و مربیان با این سؤال مواجه‌اند که چرا تعدادی از دانش آموزان به زعم برخوردار از امکانات آموزشی و رفاهی مساعد و حتی هوش سرآمد، در دوره‌های تحصیلی به خصوص دوره متوسطه با شکست تحصیلی مواجه می‌شوند. بی‌تردید پیشرفت تحصیلی دانش آموزان به عوامل مختلفی نظیر درآمد، سطح تحصیلات، رفتار والدین، شبکه ارتباطی، فضای خانواده، نوع مدرسه و امکانات آموزشی، رفتار معلم و بسیاری عوامل دیگر بستگی دارد.

کاردلاسون^{۱۹} (۱۹۸۸) در پژوهش خود درباره پیشرفت تحصیلی و صمیمیت دریافت " گروهی از دانش آموزان که موفقیت‌های تحصیلی بیشتری نصیبشان گردیده بود نسبت به گروه‌های ناموفق از تحسین و احترام بیشتری برخوردار بوده و نیز تعارض‌های شدیدی در زندگی تحصیلی خود نداشته‌اند. " (قاضی، ۱۳۸۰: ۱۶۵)

روش تحقیق

این مطالعه از نوع پیمایش اجتماعی بوده و اطلاعات تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه جمع‌آوری گردیده است. در این پژوهش، برای سنجش متغیر اصلی پژوهش از طیف لیکرت استفاده شده است. پس از جمع‌آوری داده‌های تحقیق، با استفاده از برنامه کامپیوتری SPSS و فعالیت‌های آماری مربوطه، تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق صورت گرفته است.

^{۱۸} . hornquist

^{۱۹} . kardlasun



جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش شامل دانش آموزان مقطع اول دبیرستان شهرستان سیرجان در سال تحصیلی ۱۳۹۳-۱۳۹۲ می‌باشد. با بهره گیری از فرمول نمونه گیری کوکران تعداد ۲۰۰ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین و با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای، افراد مورد مطالعه انتخاب گردیده‌اند.

یافته‌های تحقیق

در این بخش، ابتدا یافته‌های تحقیق ارائه و مورد توصیف قرار گرفته است و پس از آن، رابطه بین میزان کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی تحلیل شده است.

الف) توصیف یافته‌ها

یافته‌های تحقیق شامل مشخصات فردی پاسخگویان بیانگر این امر است که از مجموع ۲۰۰ پاسخگو که والدین دانش آموزان بودند، میانگین سن والدین ۴۵ سال می‌باشد، میانگین درآمد خانواده‌ها ۸۰۰/۰۰۰ هزار تومان، میانگین تعداد فرزندان ۳ نفر، دانش آموزان به طور میانگین دومین فرزند خانواده هستند، به طور میانگین منبع تأمین کننده درآمد خانواده شغل دولتی، نوع سکونت خانواده دانش آموزان خانه شخصی می‌باشد.

جدول ۱- درصد فراوانی هر یک از مؤلفه‌های کیفیت زندگی

خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	
۸/۹۳۷۵	۲۱/۷۵	۳۲/۶۸۷۵	۲۰/۴۳۷۵	۱۶/۱۸۷۵	جمع سلامت جسمانی
۸/۸۵۷۱	۱۸/۵۷۱۴	۳۶/۰۷۱۴	۲۵/۹۲۸۵	۱۰/۵۷۱۴	جمع سلامت روانی
۱۳/۴۱۶۶	۲۰/۹۱۶۶	۴۳/۹۱۶۶	۱۵/۲۵	۶/۵	جمع سلامت محیطی
۷/۰۷۱۴	۹/۷۵	۳۷/۶۱۴۲	۳۱/۰۷۱۴	۱۴/۴۹۲۸	جمع روابط اجتماعی

جدول ۲- درصد فراوانی مجموع مؤلفه های کیفیت زندگی

مجموع مؤلفه‌های کیفیت زندگی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد
	۹/۵۷۰۶	۱۷/۷۴۷	۳۷/۵۷۲۴	۲۳/۱۷۱۸	۱۱/۹۳۷۹



مؤلفه‌های کیفیت زندگی شامل سلامت جسمانی، سلامت روانی، سلامت محیطی، روابط اجتماعی می‌باشند. همانطور که در جداول بالا آمده است اکثر والدین، کیفیت زندگی خود را در حد متوسط گزارش کرده‌اند.

جدول ۳- درصد فراوانی مؤلفه پیشرفت تحصیلی

۱۱-۱۲/۹۹	۱۳-۱۴/۹۹	۱۵-۱۶/۹۹	۱۷-۱۸/۹۹	۱۹-۲۰	پیشرفت تحصیلی
درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
۰	۴	۲۵	۶۷	۵	معدل سوم راهنمایی
۴/۵	۱۰/۵	۳۹/۵	۴۲/۵	۲/۵	معدل اول دبیرستان

نتایج نشان می‌دهد که بیشترین درصد فراوانی مربوط به معدل ۱۷-۱۸/۹۹ و کمترین درصد فراوانی مربوط به معدل ۱۱-۱۲/۹۹ می‌باشد.

ب) تحلیل یافته‌ها

جدول ۴- نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن بین کیفیت زندگی خانواده و پیشرفت تحصیلی

کیفیت زندگی/پیشرفت تحصیلی	آزمون آماری
۰/۵۸	ضریب همبستگی اسپیرمن
۰/۰۰۰	سطح معناداری
۲۰۰	تعداد معتبر

نتایج حاصل از آزمون اسپیرمن بیانگر آن است که با اطمینان ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۱ درصد رابطه معناداری بین دو متغیر کیفیت زندگی با پیشرفت تحصیلی وجود دارد. در این باره ضریب همبستگی برابر با ۰/۵۸ که رابطه ای مثبت و نسبتاً قوی می‌باشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت: هنگامی که بین ارزش‌های خانواده و ارزش‌های مدرسه هماهنگی موجود باشد دانش آموز بهتر می‌تواند با موقعیت آموزشی هماهنگ شود. پذیرفتن یا طرد کودک از سوی والدین و روابط فرزندان با یکدیگر بهداشت روانی کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هرچه کیفیت زندگی خانواده دانش آموزان بهتر باشد، میزان پیشرفت تحصیلی فرزندان هم افزایش می‌یابد؛ و بر عکس با کاهش میزان کیفیت زندگی، انتظار می‌رود از پیشرفت تحصیلی دانش آموزان کاسته شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کیفیت زندگی، در میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر مثبت دارد.

نتیجه گیری

این تحقیق با هدف بررسی و شناخت رابطه میزان کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مقطع اول دبیرستان در شهرستان سیرجان آغاز شد در این میان تعاریف متعددی از کیفیت زندگی به عنوان متغیر مستقل و پیشرفت تحصیلی به عنوان متغیر وابسته بیان شد. و همچنین ابعاد مختلف کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی مورد بررسی قرار گرفته است. برخی از نظریاتی که در این تحقیق استفاده شد عبارتند از:

متغیر پیشرفت تحصیلی با توجه به نظریات هنری مورای و آبراهام مازلو بدین صورت مورد توجه قرار گرفت که هنری مورای بیشتر به عوامل زیستی یا فیزیولوژیکی اهمیت می‌داد و در نتیجه نیاز به پیشرفت را نوعی نیاز زیستی تلقی می‌کرد. در واقع مورای عوامل بیرونی یا محرک‌های خارجی مؤثر بر سابق می‌دانست وی همچنین بیان می‌داشت که لذت بخشی یا تقویت مثبت پیش آمده باعث می‌شود گرایش افراد در انجام سایر امور مشابه گسترش یابد و با به عبارتی فرد از موقعیت پیش آمده لذت می‌برد، پس در جست و جوی تکرار این تقویت‌ها گرایش به موقعیت‌های دیگری پیدا خواهد کرد که او را به هدف برساند.



پیشرفت تحصیلی در نظریهٔ مازلو جزء نیازهای مربوط به خودشکوفایی یا فرانیازهاست. فرانیازها نیروهایشان را از میان آدمی به رشد و بالندگی کسب می‌کنند و شامل نیاز به رسیدن به آن چه در حداکثر توان و استعداد دارند، کنجکاوی، اشتیاق به شناخت، یادگیری، کسب حقیقت، دانش اندوزی، تجربه کردن، درک زیبایی و نظم و هماهنگی را شامل می‌شود. مازلو همچنین مقوله کیفیت زندگی را در سلسله مراتب نیازهای خود گنجانده است و معتقد است که برای اینکه فرد به خودشکوفایی برسد باید ابتدا نیازهای قبل از خود شکوفایی یا فرانیازها مثل نیازهای فیزیولوژی، نیاز به امنیت، احترام و تعلق را برآورده سازد از این رو نقطه اتصال دو مقولهٔ کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی در این پژوهش همین سلسله مراتب نیازهای مازلو می‌باشد که بر اساس آن هر یک از ابعاد کیفیت زندگی در یک یا چند مورد از دسته‌بندی‌های او قرار می‌گیرد که همهٔ اینها زیر بنا و شالوده‌ای برای خودشکوفایی و پیشرفت تحصیلی که یکی از مصداق‌های خودشکوفایی است می‌باشد.

همچنین برای سنجش کیفیت زندگی از نظریه‌ای که سازمان بهداشت جهانی در خصوص کیفیت زندگی ارائه نموده است، استفاده شد.

خلاصه تحلیل یافته‌ها به صورت زیر می‌باشد:

- ۱- فرضیهٔ یک: با توجه به یافته‌ها با افزایش میزان کیفیت زندگی پیشرفت تحصیلی نیز افزایش می‌یابد و بالعکس، بنابراین فرضیه اول پژوهش که بین میزان پیشرفت تحصیلی و کیفیت زندگی رابطه معنادار وجود دارد پذیرفته می‌شود. بر اساس نظریه سازمان بهداشت کیفیت زندگی چهار بعد دارد که شامل بعد جسمی، بعد روانی، بعد زیست محیطی و بعد روابط اجتماعی می‌باشد که این ابعاد در طبقه بندی‌ای که مازلو از نیازها ارائه نموده است جزء نیازهای اساسی می‌باشد. مازلو نیازهای انسان را به صورت سلسله مراتبی طبقه بندی کرده است. وی نیازها را ابتدا به دو دسته کلی تقسیم نموده است: نیازهای کمبود یا کاستی و نیازهای رشد یا بالندگی. نیازهای اساسی (نیازهای کمبود): این نیازها به ۴ دسته تقسیم شده اند: ۱- نیازهای فیزیولوژیکی یا جسمی: شامل نیاز به آب، غذا، خواب، حرارت مناسب و ... ۲- نیاز به امنیت یا ایمنی: شامل نیاز به داشتن محیطی امن و به دور از تهدید ۳- نیاز به عشق و تعلق: شامل نیاز به ایجاد روابط متقابل با دیگران و محبت کردن و مورد محبت واقع شدن ۴- نیاز به عزت نفس یا احترام به خود: شامل احساس کسب توفیق و تأیید، احساس شایستگی و احساس کفایت و مهارت؛ یعنی نیاز فردی به ایجاد تصور مثبتی در دیگران نسبت به خویش. فرانیازها یا نیازهای مربوط به خود شکوفایی: که عبارتند از: نیازهای فرد برای رسیدن به آنچه که در حداکثر توان و استعداد دارد. نیازهای خودشکوفایی مواردی چون کنجکاوی، اشتیاق به شناخت، یادگیری، کسب حقیقت، دانش اندوزی، تجربه کردن، درک زیبایی و نظم و هماهنگی را شامل می‌شود. انواع نیازهای مازلو به صورت سلسله مراتبی به دنبال هم قرار می‌گیرند؛ یعنی اینکه نیازهای رده پایین باید حداقل تا حدودی ارضا شوند تا اینکه فرصت برای ارضای نیازهای سطح بالاتر فراهم آید، پس پیشرفت تحصیلی که مصداقی از خود شکوفایی است زمانی اتفاق می‌افتد که نیازهای اساسی فرد برآورده شده باشد یعنی فرد از کیفیت زندگی مطلوبی برخوردار باشد.
- ۲- فرضیه دو: به نظر می‌رسد بین پیشرفت تحصیلی و رضایت از بعد جسمی کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه نیز با توجه به تئوری سلسله مراتب نیازهای مازلو که در مورد قبلی بیان شد صدق می‌کند؛ یعنی هر چه قدر خانواده دانش آموز از لحاظ جسمی سلامت بیشتری داشته باشند پیشرفت تحصیلی دانش آموز نیز بیشتر می‌شود. فرضیه مذکور با سطح معناداری ۰/۰۱ تأیید شد و این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان فرضیه مذکور را پذیرفت.
- ۳- فرضیه سه: به نظر می‌رسد بین میزان پیشرفت تحصیلی و رضایت خانواده از بعد روانی رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه نیز طبق سلسله مراتب نیازهای مازلو و نظریه سازمان بهداشت تأیید می‌شود. یعنی هر چه قدر خانواده دانش آموز از لحاظ روانی سلامت بیشتری داشته باشند، دانش آموز هم از پیشرفت تحصیلی بالاتری برخوردار است. فرضیه مذکور با میزان معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شد.

- ۴- فرضیه چهار: به نظر می‌رسد بین میزان پیشرفت تحصیلی و رضایت از بعد سلامت محیطی رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه نیز با توجه به تئوری مازلو و نظریه سازمان بهداشت تأیید می‌شود زیرا بعد محیطی جزء نیازهای اساسی



مازلو می‌باشد و فردی که محیط سالمی دارد فرصت بیشتری برای شناخت استعدادها و مهارت‌هایش دارد. در نتیجه می‌تواند به خود شکوفایی و پیشرفت دست یابد. فرضیه مذکور با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید می‌شود.

۵- فرضیه پنج: به نظر می‌رسد بین میزان پیشرفت تحصیلی و رضایت از بعد روابط اجتماعی کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد. این فرضیه نیز با توجه به تئوری سلسله مراتب نیازها و نظریه سازمان بهداشت جهانی تأیید می‌شود زیرا روابط اجتماعی نیز جزء نیازهای اساسی فرد می‌باشد که برای آن که فرد به خود شکوفایی برسد باید این نیاز هم برآورده گردد و خانواده از سطح بالایی از روابط اجتماعی با دوستان و اقوام برخوردار باشند. هرچه این روابط بالاتر باشد پیشرفت تحصیلی دانش آموز بالاتر می‌باشد. فرضیه مذکور با سطح معناداری ۰/۰۰۴ تأیید می‌شود.

روش مورد استفاده در این پژوهش، پیمایش می‌باشد که جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه انجام گرفته است. جامعه آماری مورد مطالعه دانش آموزان اول دبیرستان شهرستان سیرجان می‌باشد. برای رسیدن به نمونه، از روش نمونه گیری تصادفی استفاده شد. در پژوهش حاضر از روش اعتبار صوری و برای بدست آوردن پایایی آن از آلفای کرونباخ استفاده شد. در این تحقیق ۱ فرضیه اصلی و ۴ فرضیه فرعی وجود دارد که پس از جمع آوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌ها با نرم افزار آماری SPSS تمامی فرضیه‌ها تأیید شد.

۶- پیشرفت تحصیلی و رضایت از بعد جسمی کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه مذکور با سطح معناداری ۰/۰۱ تأیید شد و این مقدار کوچکتر از ۰/۰۵ است، با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان فرضیه مذکور را پذیرفت.

۷- بین میزان پیشرفت تحصیلی و رضایت خانواده از بعد روانی رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه مذکور با میزان معناداری ۰/۰۰۰ تأیید شد.

۸- بین میزان پیشرفت تحصیلی و رضایت از بعد سلامت محیطی رابطه معناداری وجود دارد. فرضیه مذکور با سطح معناداری ۰/۰۰۰ تأیید می‌شود.

۹- بین میزان پیشرفت تحصیلی و رضایت از بعد روابط اجتماعی کیفیت زندگی رابطه معناداری وجود دارد فرضیه مذکور با سطح معناداری ۰/۰۰۴ تأیید می‌شود.

پیشنهادهای کاربردی:

- ۱- ارتقای سطح علمی دانش آموزان از طریق ارتقای سطح کیفیت زندگی دانش آموزان.
- ۲- برگزاری کارگاه‌های آموزشی در زمینه کیفیت زندگی و پیشرفت تحصیلی.
- ۳- پیشنهاد می‌شود دانش آموزانی که از نظر مالی و از نظر کیفیت زندگی شرایط مساعدی ندارند توسط مسئولان مدارس شناسایی شوند و اقدامات لازم جهت بررسی و رفع مشکلات این دسته از دانش آموزان صورت گیرد.
- ۴- بر هیچ کس پوشیده نیست که سطح کیفیت خانواده بر پیشرفت تحصیلی دانش آموز تأثیر مستقیم دارد. با توجه به تفاوت مشاهده شده در کیفیت خانواده‌ها و در نتیجه در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پیشنهاد می‌گردد خانواده‌هایی که سطح پایینی از کیفیت برخوردارند شناسایی و مسئولان رسیدگی نمایند.
- ۵- برنامه‌های آموزشی برای والدین گذاشته شود.
- ۶- افزایش نگرش مثبت نسبت به پیشرفت تحصیلی فرزندان و حمایت و تشویق هر چه بیشتر دانش آموزان توسط والدین.
- ۷- همانگونه که قابل پیش بینی است فقر باعث می‌شود که خانواده جهت تنظیم درآمد با مخارج، از هزینه‌های به ظاهر غیر ضروری بکاهند. هزینه‌های انجام شده در رابطه با آموزش و هم چنین برخورداری از محصولات فرهنگی از این جمله می‌باشند. لازم است سیاست گذاران همچون سازمان آموزش و پرورش و .. به گونه‌ای برنامه ریزی نمایند که تحصیلات کاملاً رایگان خصوصاً برای قشر فقیر جامعه مهیا شده و هرگونه نیاز یا تمایل جوانان در رابطه با تحصیل برآورده شود. هم چنین محصولات فرهنگی و حتی آموزش دانش آموزان در رابطه با یکی از هنرهای هفتگانه به صورت رایگان انجام پذیرد. این امر ضمن ارتقاء نگرش و انگیزش دانش آموز باعث جدابیت مدارس و خود بالندگی دانش آموزان می‌شود که نهایتاً باعث افزایش میزان پیشرفت خواهد شد.
- ۸- جهت برخورداری از خانواده سالم می‌بایست از طریق رسانه‌های جمعی نسبت به تحقق این امر اقدام نمود. همچون؛ صدا و سیما، روزنامه‌ها و مجلات.



منابع

- آزاد، فاطمه. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین میزان پیشرفت تحصیلی و کیفیت زندگی دانش آموزان دبیرستان شاهد قاین. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- باسخا، مهدی و همکاران. (۱۳۸۹). رتبه بندی شاخص کیفیت زندگی در استان های کشور، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، شماره ۳۲.
- بلوم، س. بنجامین. (۱۹۸۲). ویژگی های آدمی و یادگیری آموزشی، ترجمه علی اکبر سیف، تهران: انتشارات نشر دانشگاهی.
- بهمنی، بهمن. (۱۳۷۹). بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی و رابطه آن با متغیرهای نگرش دینی، عملکرد تحصیلی و وضعیت اقتصادی، اجتماعی، گزارش طرح پژوهش. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهمنی، بهمن. (۱۳۸۰). بررسی کیفیت زندگی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی و رابطه آن با متغیر های نگرش دینی، عملکرد تحصیلی و وضعیت اقتصادی، اجتماعی. فصلنامه طب و تزکیه، شماره ۵۳.
- حاج یوسفی، علی. (۱۳۸۰). کیفیت زندگی و راهبردهای اصلاحی. فصلنامه مددکاری اجتماعی، شماره هشت. تهران، دانشگاه علوم بهزیستی.
- حیدری، قاسم. (۱۳۹۰). بررسی کیفیت زندگی مردم شهر نکا و عوامل مؤثر بر آن. دانشکده علوم اجتماعی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سعیدی، زهرا. (۱۳۹۰). بررسی رابطه کیفیت زندگی، سبک زندگی، عملکرد تحصیلی با پیشرفت تحصیلی دانشجویان علوم پزشکی دانشگاه اصفهان. دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شارع پور، محمود. (۱۳۸۵). فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن. مجله انجمن جامعه شناسی ایران.
- شریفی، امین. (۱۳۷۶). بررسی رابطه ارضای نیازهای عاطفی با سازگاری فرد اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان پسر سال سوم مدارس راهنمایی شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران.
- شریفیان، اکبر. (۱۳۷۴). عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان دانشگاه شاهد. فصلنامه علوم اجتماعی. صفری شالی، رضا؛ هزارجریبی، جعفر. (۱۳۹۱). آنا تومی رفاه اجتماعی. تهران: جامعه و فرهنگ.
- فرخی، جواد. (۱۳۸۶). کیفیت زندگی و عوامل مؤثر بر آن (سرپرستان خانوارهای ساکن تهران). پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- قاسمی، قاسم. (۱۳۸۰). زمینه مشاوره و راهنمایی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کیامنش، علیرضا؛ خیریه، مریم. (۱۳۷۹). روند تغییرات دروندادها و برون دادهای آموزش علوم براساس یافته های Timss, Timss- R. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۷۵). جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر شیفته.
- محمدی، سلیمه. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر رضایت دختران ساکن در شبانه روزی های سازمان بهزیستی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- مهرالحسنی، حسین. (۱۳۷۷). بررسی علل ترک تحصیل دانش آموزان دوره راهنمایی تحصیلی. سازمان پژوهش و برنامه ریزی.

Ablard, K. E. (۱۹۹۷). "Parents' conceptions of academic success: Internal and external standards". The Journal of Secondary Gifted Education, ۸(۲), ۵۷-۶۴.

Das, D. (۲۰۰۸), "Urban Quality Of Life: A Case Study Of Guwahatin, Soc Indic Rcs", ۸۸.



۱۳۹۴ دی ۲۴

کنفرانس سالانه

رویکردهای نوین پژوهشی
در علوم انسانی

Annual Conference on
new approaches to research
in the Humanities

25 December 2015



- Epley, R. Donald & Menon, M (۲۰۰۷), “ **A Method Of Assembling Cross Sectional Indicators Into A Community Quality Of Life**”, Soc Indic Res, ۸۸.
- Golshani foomani, M. R. (۲۰۰۹). **Instruction and education society**. TEHRAN: SHIFTEH. ۸۹.
- Hornquist.(۱۹۹۶). **The Journal Of American Science**. ۲۲۷
- Khadivezadeh, t. seyf, A.A. velaei,N.(۲۰۰۴). **Student method of study and learning at mashhad university of medical sciences and its relationship with personal charactrrics and dducational background**. IJEME. ۱۲.
- Rabinson, Danielh. (۱۹۹۸). **School Of Education-Colorad. State University**.
- Rothstein, Pamela. **Educational psychology mc**. Erawa Hill . ۱۹۹۰.
- State of the art**, public Report of work package No. ۱ March ۲۰۰۳.

Abstract:

Academic achievement of students is the most important factor Returns on investment in education has been And thus discover the factors affecting it can also pave the way for community education, It helps to reduce the time to achieve an appropriate level of training. On the other hand, There are various problems in the family In the Physical health, mental health, environmental health and social and economic relations of the family ... The main obstacle The emergence of potential students As long as the individual does not have the emotional stability And sustainable platform for android And motor is not reliable and stable He certainly can not be targeted and directed mental effort and yet expect creative. On this basis, In this paper, The relationship between quality of life and academic achievement has been studied. In fact, The basic objective of this study was to clarify the relationship and interaction links between quality of life and academic achievement in the study population. This research is a survey of Was Research data were collected using the technique. Reliability and validity of research include quality of life and academic achievement Students using Cronbach's alpha coefficient has been reviewed and approved. The study sample consisted of high school students in ۱۳۹۲ is the city of Sirjan Using the sampling formula Cochran ۲۰۰ as determined using cluster random sampling were selected and reviewed. The results show the relationship between quality of life and academic achievement. In total, The results of the statistical activities using the Spearman correlation coefficient ($r=0.8/0$) Significant relationship between quality of life and varying levels of academic achievement ۹۹% confidence level is confirmed. Also, The results of the test, Spearman's correlation coefficient (۹۹%) indicating the amount of benefit families healthy ۱۶/۰ The academic progress of students, ۷۸/۰ correlation coefficient between mental health and environmental health of the family The academic progress of students, ۲۰/۰ correlation coefficients between family social relations with students' academic progress is approved. Key words: Quality of life, physical health, mental health, environmental health, social relationships, academic achievement.